





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده هنر و معماری، گروه معماری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

عنوان:

# دهکده گفتگوی تمدن

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدرضا پورزرگر

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر داراب دیبا

پژوهشگر:

فاطمه میمنی

زمستان ۱۳۸۹

به دستهایش و به نگاه همیشه نگران  
مادرم ...

با تشکر از راهنمایی‌های بی‌دریغ اساتید محترم

جناب آقای دکتر محمدرضا پورزرگر

جناب آقای دکتر دارب دیا

همراهی دوستان مهربانم

آرش دبیری، محمدحسین بهمن پور، سحر بهشت‌آیین، پیام پیرو، علی صداقت،

ساناز شریعت‌زاده، آزاده صحراایان، آرش دیلمی و

مهندس علیرضا امتیاز

که سخاوتمندانه مرا یاری کردند.

و همکاری صمیمانه‌ی

میراث فرهنگی استان فارس و

بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد

بسمه تعالی

در تاریخ:

از پایان نامه خود دفاع نموده و با

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم

و با درجه

به حروف

نمره

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

در حقیقت تمدن‌ها و فرهنگ‌ها با به دست آوردن این ضوابط و معیارها حرکتی نو به سمت آمایش را شروع کرده‌اند، آمایش نوعی تازه از ارتباط است، ارتباطی که به واسطه همزیستی انسانها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هایشان و متعاقب آن خواسته‌ها و نیازهایشان ایجاد می‌شود.

**کلمات کلیدی:** تمدن، فرهنگ، ارتباط، همزیستی تمدن‌ها، آمایش.

تاریخ و امضاء:

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش‌نامه دانشگاه مناسب است  
مناسب نیست

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....

### فصل اول: کلیات طرح

۵	۱-۱- بیان مسئله.....
۶	۲-۱- پیشینه تحقیق.....
۸	۳-۱- اهمیت موضوع طرح.....
۱۰	۴-۱- اهداف طرح.....
۱۰	۵-۱- سؤالات و فرضیه‌های تحقیق.....
۱۱	۶-۱- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها.....

### فصل دوم: مطالعات نظری

۱۳	۱-۲- فرهنگ.....
۱۴	۱-۱-۲- منشأ فرهنگ.....
۱۵	۲-۱-۲- نژاد و فرهنگ.....
۱۶	۳-۱-۲- مبادله فرهنگی.....
۱۶	۴-۱-۲- گوناگونی فرهنگ‌ها.....
۱۸	۵-۱-۲- چندگانگی فرهنگی.....
۲۲	۱-۲-۱-۵- هویت‌های مرز نشین.....
۲۵	۲-۲- تمدن.....
۲۵	۱-۲-۲- تمدن و ریشه‌های فرهنگی آن.....
۲۵	۲-۲-۲- تمدن در جهان‌شناسی‌ها و فرهنگ‌های مختلف.....
۲۷	۳-۲-۲- نگاهی مردم‌شناختی به تمدن.....
۲۸	۴-۲-۲- گسترش تمدن.....
۲۸	۱-۲-۲-۴- تکامل تدریجی در فرآیند شکل‌گیری تمدن.....
۳۳	۲-۲-۲-۴- نابرابری در توسعه تمدن‌ها.....

- ۳۴ ..... ۲-۲-۵- نظریه‌های تاریخ تمدن
- ۳۶ ..... ۲-۳-۳- هویت، سنت و مدرنیته
- ۳۶ ..... ۲-۳-۱- دیالکتیک انسان و هویت انسان، انسانیت و انسان‌گرایی
- ۳۷ ..... ۲-۳-۲- هویت انسان‌ساز و انسان هویت‌پرداز
- ۳۹ ..... ۲-۳-۳- هویت و انسان امروز
- ۴۰ ..... ۲-۳-۴- مفاهیم (مدرن، مدرنیته، مدرنیزاسیون)
- ۴۲ ..... ۲-۳-۵- مد و فرهنگ مدرن
- ۴۴ ..... ۲-۳-۶- تمدن و مدرنیته
- ۴۹ ..... ۲-۴-۴- جهانی شدن
- ۴۹ ..... ۲-۴-۱- مقدمه
- ۵۰ ..... ۲-۴-۲- مفاهیم بنیادین
- ۵۴ ..... ۲-۴-۲-۱- مفهوم جهانی شدن
- ۵۶ ..... ۲-۴-۲-۲- مدرنیته و جهانی شدن
- ۵۹ ..... ۲-۴-۲-۳- جهانی شدن و جهان‌گرایی
- ۶۱ ..... ۲-۴-۳- جهانی سازی
- ۶۱ ..... ۲-۴-۴- دهکده جهانی
- ۶۴ ..... ۲-۴-۵- جهانی شدن و بازقبیله‌ای شدن
- ۶۵ ..... ۲-۴-۵-۱- ریشه‌های تاریخی برخورد (بوم‌گرایی، جهان‌گرایی)
- ۶۶ ..... ۲-۴-۶- تحولات قرن گذشته و نظریه‌های حاکم
- ۶۶ ..... ۲-۴-۶-۱- فوکویاما، پایان تاریخ و آخرین انسان
- ۶۷ ..... ۲-۴-۶-۲- هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها
- ۶۸ ..... ۲-۴-۶-۳- الوین تافلر، موج سوم
- ۷۰ ..... ۲-۴-۶-۴- نظریه گفتگوی تمدن‌ها
- ۷۰ ..... ۲-۴-۶-۱- پیشینه
- ۷۲ ..... ۲-۴-۶-۲- دغدغه گفتگوی تمدن‌ها
- ۷۲ ..... ۲-۴-۶-۳- یونسکو و طرح گفتگوی تمدن‌ها
- ۷۴ ..... ۲-۵-۵- معاصر، هم‌عصر و چالش‌های موجود
- ۷۴ ..... ۲-۵-۱- تأثیر جهانی شدن بر تمدن و پیدایش تمدن جهانی



- ۷۸ ..... ۲-۱-۵-۱- جهانی شدن تمدن
- ۸۱ ..... ۲-۱-۵-۲- ظهور تمدن دیجیتال
- ۸۳ ..... ۲-۱-۵-۳- ریزوم و تفکر سیار
- ۸۶ ..... ۲-۵-۲- تمدن انسانی و فرهنگ‌های فراوان
- ۸۸ ..... ۲-۳-۵-۳- آمایش
- ۸۹ ..... ۲-۱-۳-۵-۲- گامی‌پس از گفتگو

## فصل سوم: آشنایی با مصادیق نمونه

### رخداد

- ۹۳ ..... ۳-۱-۱- مرکز فرهنگ آسیایی
- ۹۵ ..... ۳-۲- شهر فرهنگی گالیسیا
- ۹۷ ..... ۳-۳- هرم صلح فاستر
- ۱۰۰ ..... ۳-۴- مرکز گفتگوی ادیان (تهران)
- ۱۰۴ ..... ۳-۵- مرکز یادگیری رولکس
- ۱۰۸ ..... ۳-۶- اکسپو ۲۰۱۰

### هم‌جواری

- ۱۱۵ ..... ۳-۷- موزه کلمبا
- ۱۱۷ ..... ۳-۸- موزه جدید آکروپولیس
- ۱۱۹ ..... ۳-۹- موزه بزرگ مصر

## فصل چهارم: شناخت بستر و انتخاب سایت

- ۱۲۳ ..... ۴-۱- مطالعات منطقه‌ای
- ۱۲۳ ..... ۴-۱-۱- مشخصات جغرافیایی
- ۱۲۴ ..... ۴-۱-۲- ویژگی آب و هوایی منطقه
- ۱۲۴ ..... ۴-۱-۳- دما
- ۱۲۵ ..... ۴-۱-۴- رطوبت و بارندگی
- ۱۲۵ ..... ۴-۱-۵- باد
- ۱۲۶ ..... ۴-۲- مکان‌یابی

- ۱-۲-۴- محوطه میراث جهانی تخت‌جمشید و نقش رستم (شناخت عناصر  
مجموعه به لحاظ ارزش‌های فرهنگی، تاریخی و معماری)..... ۱۲۸
- ۱-۱-۲-۴- ضوابط محدوده عرصه و حریم محوطه میراث جهانی تخت‌جمشید  
و نقش رستم..... ۱۲۹
- ۲-۲-۴- آلترناتیوها و انتخاب نهایی سایت..... ۱۳۵
- ۱-۲-۲-۴- تحلیل سایت..... ۱۳۸
- ۳-۴- برنامه فیزیکی..... ۱۳۹

## فصل پنجم: نتیجه گیری

- مقدمه ..... ۱۴۲
- ۱-۵- طراحی در مجاورت سایت تاریخی..... ۱۴۴
- ۲-۵- شکل‌گیری ایده اولیه با توجه به سایت و مبانی نظری طرح ..... ۱۴۵
- ۱-۲-۵- روند شکل‌گیری ..... ۱۴۶
- ۲-۲-۵- وجه بومی بنا ..... ۱۴۷
- ۳-۲-۵- هم‌نشینی با افق و طبیعت ..... ۱۴۸
- ۴-۲-۵- ویژگی‌های طرح ..... ۱۴۹
- ۳-۵- پروژه در مواجهه با سایت (دسته‌بندی و توزیع فضاها در مقیاس طرح) ..... ۱۵۰
- ۴-۵- دسته‌بندی و توزیع فضاها در مقیاس طرح ..... ۱۵۲
- ۵-۵- تجسم کالبدی ..... ۱۵۳
- ۶-۵- مدارک طراحی ..... ۱۶۴
- فهرست منابع و مأخذ..... ۱۶۷
- چکیده انگلیسی..... ۱۶۹

## چکیده:

نظمی که بر توالی مبتنی بود واژگون شد و ما اکنون شاهد تجدید حیات همه گفتارهای از یاد رفته ایم که به پستوهای ناآگاه بشر رانده بودند. داریوش شایگان

تمدنی جدید و جهانی در حال تکوین است، تمدنی جهانی با فرهنگهای فراوان. سیر تاریخ در این سکانس این‌گونه رقم خورده که به واسطه پیشرفت سریع تکنولوژی در ارتباطات و محقق شدن دهکده جهانی مک لوهان، همزیستی تمدن‌ها و فرهنگ‌هایشان به اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش امروز تبدیل شود. همزیستی تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی که منافع ناهمگون و افق‌های دید متفاوتی دارند. تمدن‌هایی که اکثراً در جریان آشتی دادن و ایجاد همگنی بین ارزش‌های سنتی با ضرورت‌های علمی و فنی امروز دچار بحران‌های فرهنگی مخصوص به خود شده‌اند (تهرانیان، ۱۳۸۰). به زعم تزوتان تودوروف وضعیت فعلی ما نه مصداق فرهنگ‌زدایی است و نه مشمول فرهنگ‌پذیری؛ بلکه چیزی است که می‌توان آن را استعلای فرهنگی نامید؛ یعنی به دست آوردن معیارها و ضوابط تازه بدون از دست دادن معیارها و ضوابط پیشین (شایگان، ۱۳۸۸، ۱۴۰). در حقیقت تمدن‌ها و فرهنگ‌ها با به دست آوردن این ضوابط و معیارها حرکتی نو به سمت آمایش را شروع کرده‌اند، آمایش نوعی تازه از ارتباط است، ارتباطی که به واسطه همزیستی انسان‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هایشان و متعاقب آن خواسته‌ها و نیازهایشان ایجاد می‌شود. **کلمات کلیدی:** تمدن، فرهنگ، ارتباط، همزیستی تمدن‌ها، آمایش.

## مقدمه:

جهان امروز دستخوش تغییرات شگرف و تحولات بنیادی است. هستی‌شناسیِ صلب و سخت گذشته جای به هستی درهم شکسته و فروپاشیده‌ای داده است که تنها به صورت لمعات حضور و لحظات برق آسای هوشیاری خود را به ما می‌نمایاند.

شیوه تولید از چادرنشینی به یکجانشینی، بازرگانی، صنعتی و دیجیتالی، تکامل یافته است. مشروعیت جادوگر و کاهنان اولیه به متافیزیک، ماده‌گرایی، تجربی و کثرت‌گرایی تغییر یافته است. ارتباطات، از حالت شفاهی به دست نویسی، چاپ، نشر الکترونیک و دیجیتالی تغییر و تنوع پیدا کرده است. شیوه اجتماع‌سازی از قبیله‌ای به قومی، خانواده وسیع، خانواده هسته‌ای و خانواده قیاسی (جوامع هدفدار مانند: همجنس‌گرایی زنان، همجنس‌گرایی مردان، اشتراکی و غیره) تکامل پیدا کرده است. حالت مفهوم‌سازی در افسانه‌ها پیدا می‌شود و برای تشریح معماهای غیرقابل توصیف استفاده می‌شود؛ اما به زودی در فلسفه، عالم هستی، تعقل‌های علمی، وسیله‌ای و انتقادی- علمی ترکیب می‌شود. در نهایت، فلسفه‌های عالم هستی باید محوریت بوم‌شناسی و همبستگی بشری با طبیعت را شناسایی کنند. این طبقه‌ها، آشکارا به تبیین بیشتری نیاز دارند. با این حال، نکات کلیدی را نمی‌توان بیش از این مورد تأکید قرار داد. جامعه‌ی بشری یک مبنای اصولی و قانونی دارد. بدون هنجار، جامعه بشری وجود نخواهد داشت. تمدن، به عنوان یک مبنای قانونی، دارای امتیاز فرهنگ مسالمت‌آمیز و مبتنی بر همکاری است؛ اما مانند همه نظام‌های هنجاری دیگر (مذهبی یا سکولار)، از تمدن به عنوان یک وسیله ایدئولوژیکی برای تبعیض و به راه انداختن جنگ ما علیه آنان استفاده شده است.

در دوره اخیر، جهانی شدن به معنی ارتقاء دستور کار سیاسی و اقتصادی نئولیبرال است که با ایدئولوژی تمدن پیشرفت کرده است. گفتگوهای ایدئولوژیک اغلب جهان را در شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد و معتقد به عدالت خود می‌بیند. بحث تمدن، برای بسیج کردن منابع، روش جنگی را به کار می‌برد. در بررسی تاریخی، تمدن اغلب به عنوان سلاح ایدئولوژی، برای مشروعیت‌بخشی سیاست‌های جهانی به کار گرفته شده است. جاه‌طلبی‌های سلطه‌جویانه، از طریق طبقه‌بندی و تفاوت

گذاشتن بین به اصطلاح "تمدن" و "وحشی‌گری"، بین "محور خیر" و "محور شرارت"، همواره کوشیده است که مشروعیت اخلاقی کسب کند. در دوره‌ی اخیر، گروه مخالف سیاست‌های جهانی شدن به همان شیوه، از تمدن به عنوان یک سلاح ایدئولوژیکی، استفاده کرده است. چالش موجود، درک الگوهای پیچیده از پیدایش یک تمدن جهانی، به ویژه در شاخه‌های جهانی شدن و عمومی‌سازی می‌باشد. کاربرد مفاهیم هنجاری بدون سوءاستفاده‌های ایدئولوژیکی، قسمتی از چالش است. بعضی از اندیشمندان گفته‌اند که مفهوم تمدن از نظر تحلیلی، فراتر از رستگاری است. از آنجا که جوامع بشری ساخته‌های اجتماعی هنجاری هستند، نادیده گرفتن مفاهیم هنجاری امری غیرواقعی است. در رقابت یا در همکاری، هنجارهایی مانند رهایی، نظم، آزادی، برابری، همکاری، عدالت و تمدن، قالب قانون اساسی غیرنوشتاری و بعضی اوقات نوشته شده‌ی جامعه را تشکیل می‌دهند. بدون چنین انسجام اصولی، جوامع بشری از هم خواهد پاشید. بنابراین، هنجار (Norm) باید به عنوان بخش مهم و جدانشدنی جوامع بشری و درک آنها قلمداد شود. اسطوره‌های ریشه‌دار تمدن‌های مختلف، اغلب شامل پیوستگی اصولی است. به روایت انجیل، پیدایش خلقت چنین بوده است؛ زمانی که آدم و حوا از درخت، سیب دانش خوردند، برای ابد از شرایط نادانی و بهشت جدا شدند. آن‌ها، جایگاهی به عنوان نمایندگان آزاد پیدا کردند که باید خود انتخاب کنند و با نتایج آن زندگی کنند. آنها از محنت خود با خبر شدند، شعور پیدا کردند، برای زنده ماندن تلاش کردند. در اثر تلاش و کار عرق ریختند و شروع به زاد و ولد کردند. در تلاش و پیکار، آزادی انتخاب بین خوبی و بدی را کسب کردند. این روایت ابتدایی ابراهیمی، چنین بیان می‌کند که شرایط زندگی بشر، در مورد تلاش، انتخاب و آزادی است. ظاهراً ما، قطعه‌ای کامپیوتری برای تلاش، عشق، یادگیری و خلافت هستیم (لویس، آمینی و لانون، ۲۰۰۰)؛ اما ما نیز به صورت ژنتیکی، برای توسعه و رشد قلمرو، هویت و رفتارهای تهاجمی برنامه‌ریزی شده‌ایم (آردی، ۱۹۶).

فصل اول:  
کلیات طرح

## ۱-۱- بیان مسئله:

هربرت مارشال مک لوهان در سال ۱۹۶۴ بوجود آمدن دهکده جهانی را پیشگویی کرد. وی در این مورد اظهار نمود: «اکنون دیگر کره زمین به وسیله رسانه‌های جدید آنقدر کوچک شده که ابعاد یک دهکده را یافته است و انسانها، چه بخواهند و چه نخواهند، گویی در یک قبیله جهانی یا یک دهکده بزرگ زندگی می‌کنند».

در عصر دوم رسانه‌ها با بوجود آمدن پدیده جهانی شدن و پیشرفت‌های عصر ارتباطات، ما بیش از پیش از طریق سیستم‌های ارتباطی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم. همچنین فاصله مجازی کشورها و فرهنگها و تمدنهایشان از هم بسیار کم شده است و کشورهای صاحب تکنولوژی و مهارت فنی، توانایی و پایداری بیشتری در تأثیرگذاری خواهند داشت.

در پیشینه تحقیق خواهیم گفت که در پی تغییر و تحولاتی که در قرن گذشته با سرعتی چشمگیرتر از تحولات پیشین مسیر حرکت تاریخ را عوض کرد، متفکران هر یک با نگاهی سعی در پیش‌بینی چگونگی شکل‌گیری و پویایی نظم آینده جهان داشته‌اند؛ از میان این نظریه‌ها نظریه برخورد تمدنها<sup>۱</sup> حساسیتهای فراوانی در سطح جهانی را برانگیخت و منجر به عکس‌العمل‌های متنوعی از سوی دیگران شد که زمینه را برای مطرح شدن نظریه‌های رقیب از جمله نظریه گفتگوی تمدنها آماده و مهیا می‌کرد (البته این نظریه سابق بر این از سوی متفکران دیگری مطرح شده بود) گفتگوی تمدنها نظریه‌ای در روابط بین‌الملل بود.

در این عصر در سایه شبخ گون شبکه بی مرکز رسانه‌ها، انسانها، فرهنگها و تمدنهایشان و متعاقب آن خواسته‌ها و نیازهایشان به هم نزدیک شده و این مسئله چالش جدیدی را به پیش می‌کشد و آن همزیستی آنهاست.

همزیستی را می‌توان گامی پس از گفتگو دانست که خود باعث نوعی تازه از ارتباط می‌شود که من در این تحقیق آنرا «آمایش» می‌نامم (در فصل دوم بیشتر در این باره صحبت خواهیم کرد).

---

1. The clash of civilization.

کمک به این همزیستی تمدنها- آمایش -در واقع شاید کمک بزرگی به دنیای متکثر امروز باشد، دنیایی که به دنبال وحدت از نوعی دیگر است.

در عین حال آمایش تمدنها یک اندیشه است. اندیشه، تجسم انتزاعی واقعیت در ذهن می‌باشد. درحقیقت اندیشه پیش زمینه‌ای است برای پدید آوردن یک مفهوم؛ مفهومی که سعی می‌کند بیشتر بار تجربی داشته باشد (نادمی، ۲۰۰۸).

ایران یکی از تمدن‌های عمده جهان قدیم بوده و با تمدنهای مهمی چون بین النهرین، مصر، روم و چین برابری می‌کرده. قدمت آن به حدود هفت هزار سال پیش می‌رسد، از همین رو غنا و قدمت فرهنگ دیرپای ایرانی که از ارزش، نام و شهرت خاصی برخوردار است بر کسی پوشیده نیست. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای پلی است میان شرق و غرب که می‌تواند بستری مناسب برای ایجاد مکانی باشد که کشورمان را در همراه شدن هر چه بهتر با تحولات و پیشرفت‌های دنیای امروز، شناساندن سایر فرهنگها و تمدنها به مردم و متعاقبا شنایاندن فرهنگ و تمدن ایران به سایر جهانیان، یاری رساند.

نام این مکان را «دهکده تمدن» می‌گذاریم، دهکده‌ای برای فهم و تعامل تمدنها، دهکده‌ای برای کمک به فرهنگ سازی آمایش تمدنها. نام دهکده تمدن از لحاظ معنایی به گونه‌ای همان رویکرد دهکده جهانی را دارد.

## ۲-۱- پیشینه تحقیق

پیشینه تماسها، کنشها و برخوردهای تمدنها فرهنگهای گوناگون به دوران بسیار کهن و به عبارت دیگر به زمان شکل گیری جوامع انسانی می‌رسد و نتایج این تعاملات بسیار متنوع بوده است و چنان که گاه منجر به پیدایش برخی تمدنها یا از میان رفتن بعضی از فرهنگها و دگرگونی‌های فراوانی شده است.

از حدود دو قرن پیش با پیشرفت‌های فنی، نظامی، اجتماعی و شکل گیری انقلاب صنعتی و آغاز جنبش مدرنیسم و به ویژه از حدود یک قرن پیش و همزمان با پیدایش روابط جدید جهانی،



تاسیس برخی نهادها و عهدنامه‌های جهانی و تدوین بعضی از مقررات؛ قواعد و توافق نامه‌های بین‌المللی، صورت‌های جدیدی از روابط فرهنگی و سرزمینی پدید آمد (سلطان زاده، ۱۳۷۰).

این تغییر در سبکها، مدلها ابتدا با تحول در نگاه و برداشت آغاز شد که منجر به نظامی جدید در زندگی انسان شد.

در حوزه تمدنی و بین‌المللی، شکل جدیدی از رویکرد به فرهنگها، تمدنها و روابط آنها با نظریه‌ها و تئوریهای گوناگونی همراه بوده که هر یک با نگاهی سعی در پیش‌بینی چگونگی شکل‌گیری و پویایی نظم آینده جهان داشته‌اند؛ نظریه پردازانی چون توین بی، فرنسیس فوکویاما<sup>۱</sup>، ساموئل هانتینگتون<sup>۲</sup>، الوین تافلر<sup>۳</sup> و غیره، هر یک این تغییر را به گونه‌ای تفسیر و سیر آینده جهان را پیشگویی کرده‌اند.

تافلر می‌گوید: «موضوع اصلی، تغییر است یعنی آنچه که در قبال افراد و در زمانی رخ می‌دهد که کل جامعه‌ی آنها خود را به سمت چیزی جدید و غیرمنتظره تغییر می‌دهد. تغییر سریع در پیرامون ما آن‌گونه که به نظر می‌رسد، تصادفی یا بی‌نظم نیست بلکه الگوها و عواملی شناخته‌شده در ورای آنها وجود دارند که باعث می‌شوند ما به شکلی استراتژیک به مقابله با تغییرات پردازیم و از واکنش‌های خطرناک به رخدادهایی که با آنها مواجه می‌شویم، بپرهیزیم».

این نظریه پردازان هر یک این تحول را با عنوانی متفاوت مطرح کرده‌اند؛ فوکویاما آنرا پایان تاریخ، هانتینگتون برخورد تمدن‌ها و تافلر موج سوم نامیده، که البته همگی بیانگر همان انقلاب اطلاعاتی-ارتباطی است. این نظریه‌ها در عین داشتن متقدان فراوان و کاستی‌هایی که در نظریه وجود داشت، به روند و مسیر حرکت این تحول کمکهای فراوانی کرده‌اند.

---

1. Francis Fukuyama.  
2. Samuel Huntington.  
3. Alvin Toffler.

### ۱-۳- اهمیت موضوع طرح:

امروزه که فرهنگ‌ها تأثیر گذارتر از موضع مستقیم سیاست هستند، مشترکاتی در حوزه‌های فرهنگی می‌توان یافت که بر حوزه‌های سیاسی مقدم بوده و از رخداد بسیاری از آنها جلوگیری می‌کند. حاملان این مقوله عالمان ادیان، اندیشمندان، هنرمندان، محققان، نهادهای مدنی و فرهنگی و علمی هستند که با درایت کامل می‌توانند زمینه ساز و تغذیه کننده‌ی بسیاری از نیازهای فکری و روانی بشر امروز گردند. ایجاد فرصتی برای کمک به بشر به منظور امنیت و صلح در زندگی او خواهد بود تا ارتباط میان ملتها و امتها و احترام متقابل با شناخت یکدیگر صورت گیرد.

در بخشی از مقاله مجله «تریبون آزاد معماری» که در سال ۱۹۵۳ منتشر شده اینطور بیان می‌شود: «هیچ کشوری نمی‌تواند علمدار رهبری سیاسی جهان باشد بی آنکه قدری از رهبری فرهنگی را نیز عهده دار باشد». هزینه‌های سنگین دولتهای غربی در حوزه مسائل فرهنگی در دیگر کشورها، از این واقعیت حکایت دارد که در وضعیت موجود جهان، پیگیری منافع ملی محدود به مرزهای ملی نیست و صرفاً ماهیت اقتصادی ندارد بلکه بسیاری از دستاوردهای اقتصادی، نظامی و امنیتی با ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود که گاهی بهتر و کم هزینه تر دولتها را به اهدافشان می‌رساند.

داوود نادمی در بخشی از مقاله دغدغه گفتگوی تمدن‌ها در هزاره سوم می‌گوید: «ثابت ماندن در جهان متغیر کنونی لطمه زیادی به جامعه و فرهنگ خودی وارد می‌سازد. در این جهان متغیر، نزدیکی و تعامل تمدن‌ها می‌تواند راه‌های بسیاری را برای ما بگشاید که تاکنون از دریافت آن عاجز بوده ایم. نمونه‌هایی از تغییر و تحول را رونالد اینگلهارت در کتاب خود تحت عنوان تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی طرح نموده است. از جمله تغییرات و تحولات در «ارزش‌های فرامادی، دگرگونی در نظام‌های اعتقادی توده‌ها، دگرگونی طبقات اجتماعی، دگرگونی در گرایش‌های مذهبی، نقش‌ها و هنجارهای جنسی، مساله تطابق آرزوها با واقعیت‌ها، جنبش‌های نوین اجتماعی و...» صورت پذیرفته است (اینگلهارت، ۱۱۶، ۱۳۷۳).

شکی نیست که تحولات عصر کنونی و تغییر ذائقه جوامع، در محدوده یک فرهنگ و در قالب یک تمدن واحد بسته قابل تبیین نیست. این کنش متقابل جوامع در اطراف موضوعات فرهنگ، سیاست، هنر، اقتصاد، صنعت... است که به چنین تحولاتی دامن زده است. فروپاشی دیوارهای اطلاعاتی و گسترش برق آسای صنعت ارتباطات موجب گشته است که تمدن‌ها به نوعی در معرض ارتباط تار و پودی قرار گیرند. ظاهراً چاره‌ای جز این دیده نمی‌شود که تمام تمدن‌ها خود را در مظان ارتباط رسمی و نهادینه قرار دهند. عدم توجه به نهادینه شدن ارتباط تمدن‌ها در قالب گفتگو و هم‌کنشی، باعث رهایی تمدن‌های انزواگرایین از پیامدهای تحولات فرهنگی جهان نخواهد شد. در جامعه ایران به رغم مخالفت‌های برخی سیاستگذاران و کارگزاران حکومتی، شاهد تغییر سبک‌ها، مدل‌ها و انگارهای فرهنگی می‌باشیم و این روند به طور طبیعی طی خواهد شد. توجه به ارتباط و تعامل تمدن‌ها این مزیت را خواهد داشت که اولاً خود به بازنگری تمدن و فرهنگ خویش پردازیم و آن را به طور مطلوب حساب شده و مدبرانه به مردم معرفی کنیم ثانیاً تمدن‌های دیگر را بیش از پیش نسبت به جنبه‌های مثبت و مفید فرهنگ خود آشنا سازیم. نقد اندیشمندان تمدن خودی و اخذ هوشمندانه سایر تمدن‌ها تنها راه خروج از انفعال و انعزال فرهنگی تلقی می‌شود."

بسیاری کشورها، بخصوص کشورهای در حال توسعه در روند این تغییر سبک‌ها، مدل‌ها، انگارهای فرهنگی و به طور کلی در روند جهانی شدن، هدف اصلی را گم کرده‌اند و با گرایش شدید به تمدن‌های دیگر به الگوبرداری صرف از آنها می‌پردازند؛ عده‌ای دیگر که خود را مغبون و از نظر فرهنگی ستم دیده احساس می‌کنند به طغیان و قد علم کردن برای انهدام ضوابط فرهنگی حاکم تلاش دارند. در حالیکه در این حرکت و مسیر، هدف اصلی اینست که فرهنگ خود را استعلا بخشیم و با هم عصر شدن با جهان و معیارها و ضوابط تازه آن بدون نادیده گرفتن کامل معیارها و ضوابط خودی، همگام با حرکت توقف ناپذیر جهان شویم.

## ۱-۴- اهداف طرح:

- ۱- بازنگری تمدن و فرهنگ خویش
  - ۲- آشناسازی مردم با فرهنگها و تمدنهای دیگر
  - ۳- آشناسازی تمدنهای دیگر نسبت به جنبه‌های مثبت و مفید فرهنگ خود.
  - ۴- نزدیکی و تعامل در فضای دهکده
  - ۵- ایجاد فضایی برای شبیه سازی همزیستی و آمایش تمدنها در زمان گردهمایی‌های سالیانه
  - ۶- کمک به رشد صحیح روند جهانی شدن در کشور
- تقابل تمدن‌ها این امکان را فراهم می آورد که در عین حفظ و پاسداری از فرهنگ خود، از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر در جهت توسعه و تعالی فرهنگی الهام گرفته شود.

## ۱-۵- سوالات و فرضیه‌های تحقیق:

- امروزه، در عصر ارتباطات و اطلاعات، انسانها، فرهنگها و تمدنهایشان و متعاقب آن خواسته‌ها و نیازهایشان به هم نزدیک شده و این مسئله چالش جدیدی را به پیش می‌کشد و آن همزیستی آنهاست.
- همزیستی را می‌توان گامی پس از گفتگو دانست که خود باعث نوعی تازه از ارتباط می‌شود، این نوع همزیستی فرهنگها و تمدنها را «آمایش» می‌نامیم.
- با توجه به اینکه ملتها و تمدنها در مسیر جهانی شدن همگام با یکدیگر حرکت نمی‌کنند و حتی کشورهای بسیاری از جمله ایران هنوز روند کلی حرکتشان از موج اول به موج دوم است و موج سوم به صورت مردمی و خودجوش وجود دارد و نمود نظریه‌هایی مانند برخورد تمدنها دیده می‌شود و هنوز طرفدارانی دارد، آیا آمایش تمدنها محدود و منحصر به کشورهایی خاص می‌شود؟ و شکاف موجود بین سیر حرکت تمدنها از ابتدای تاریخ، در عصر اطلاعات و ارتباطات نیز ادامه خواهد یافت؟